



بررسی ابعاد عدالت آموزشی از دیدگاه دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی ایران

مهران عسگری تهرانی^۱

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mehran.a.tehrani47@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ابعاد عدالت آموزشی از دیدگاه دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی ایران انجام شد. این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوا انجام گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم ساکن مناطق مرزی جمع‌آوری شد تا اشباع نظری حاصل گردد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شد و کدگذاری باز، محوری و انتخابی به استخراج مضامین اصلی منجر گردید. نتایج نشان داد که عدالت آموزشی در چهار بعد دسترسی، کیفیت آموزش، برخورد و نگرش، و فرصت‌های آینده تجربه می‌شود. دانش‌آموزان با مشکلاتی مانند فاصله زیاد از مدرسه، کمبود امکانات آموزشی، تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی، و محدودیت در مشاوره و فرصت‌های تحصیلی مواجه بودند. این عوامل موجب کاهش انگیزه و مشارکت آنان در آموزش شد و احساس بی‌عدالتی و نابرابری را تقویت کرد. تحقق عدالت آموزشی در مناطق مرزی ایران نیازمند سیاست‌های هدفمند و بومی‌سازی شده است که بر رفع موانع ساختاری، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و قومی، و تقویت فرصت‌های تحصیلی و مهارتی تمرکز داشته باشد. توجه به صدای دانش‌آموزان و بازتوزیع عادلانه منابع می‌تواند گامی مهم در جهت ارتقاء کیفیت و عدالت در آموزش مناطق مرزی باشد.

کلیدواژه‌گان: عدالت آموزشی، مناطق مرزی، دانش‌آموزان

تاریخ ارسال: ۳۰ دی ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۷ فروردین ۱۴۰۲



How to cite: Asgari Tehrani, M. (2023). Exploring Dimensions of Educational Equity from the Perspective of Students Living in Iran's Border Regions. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(1), 10-18.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Exploring Dimensions of Educational Equity from the Perspective of Students Living in Iran's Border Regions

Mehran Asgari Tehrani^{1*}

1. Department of Educational Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: mehran.a.tehrani47@gmail.com

Abstract

This study aimed to explore the dimensions of educational equity from the perspective of students residing in Iran's border regions. This qualitative study employed content analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 24 secondary school students living in border areas until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using NVivo software with open, axial, and selective coding to extract main themes. The results revealed that educational equity is experienced across four dimensions: access, quality of education, treatment and attitudes, and future opportunities. Students faced challenges including long distances to school, lack of educational facilities, ethnic and gender discrimination, and limited counseling and academic opportunities. These factors decreased their motivation and participation in education and reinforced feelings of injustice and inequality. Achieving educational equity in Iran's border regions requires targeted and localized policies focusing on removing structural barriers, respecting cultural and ethnic characteristics, and enhancing academic and vocational opportunities. Attending to students' voices and equitable redistribution of resources can be crucial steps toward improving the quality and fairness of education in border areas

Keywords: *educational equity, border regions, students*

Submit Date: 20 January 2023

Revise Date: 2 March 2023

Accept Date: 21 March 2023

Publish Date: 5 April 2023

آموزش و پرورش یکی از اساسی‌ترین ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در این میان، «عدالت آموزشی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در تضمین فرصت‌های برابر یادگیری برای همه اقشار جامعه ایفا می‌کند (UNESCO, 2020). تحقق عدالت آموزشی به معنای فراهم‌آوردن فرصت‌های یادگیری برابر برای همه دانش‌آموزان، فارغ از محل سکونت، جنسیت، وضعیت اقتصادی، یا قومیت آنان است. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، دانش‌آموزان ساکن مناطق حاشیه‌ای و مرزی با موانع متعددی در دسترسی به آموزش کیفی و عادلانه مواجه‌اند (Heyneman, 2011).

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، مناطق جغرافیایی حاشیه‌ای و مرزی معمولاً از نظر منابع انسانی، امکانات آموزشی، و دسترسی به فرصت‌های یادگیری با محرومیت مضاعفی روبرو هستند (UNICEF, 2019). در ایران نیز، بررسی‌های ملی نشان می‌دهد که شکاف‌های عمیقی میان مناطق مرکزی و مرزی کشور از نظر زیرساخت‌های آموزشی، امکانات کمک‌آموزشی، سطح کیفی معلمان، و دسترسی به فرصت‌های تحصیلی بعد از مدرسه وجود دارد (MoE, 2021). این شکاف‌ها می‌تواند به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود و فرصت‌های رشد و شکوفایی را برای دانش‌آموزان مناطق مرزی محدود سازد.

عدالت آموزشی مفهومی چندبعدی است که شامل عدالت در دسترسی، عدالت در فرآیند یاددهی-یادگیری، عدالت در ارزیابی و ارزشیابی، و عدالت در پیامدهای آموزشی است (Field et al., 2007). به‌عبارت‌دیگر، صرفاً فراهم‌بودن مدرسه برای همه دانش‌آموزان به معنای تحقق عدالت آموزشی نیست؛ بلکه کیفیت تجربیات آموزشی، شیوه‌های تدریس، دسترسی به معلمان توانمند، مشارکت خانواده‌ها، و حتی دیدگاه‌های فرهنگی و نگرشی حاکم بر مدرسه نیز در این زمینه مؤثر هستند (OECD, 2012). مطالعات کیفی متعددی در سطح جهانی به بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان در زمینه عدالت آموزشی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که روایات دانش‌آموزان می‌تواند زوایای پنهان این مفهوم را آشکار سازد (Thompson, 2016).

از سوی دیگر، مناطق مرزی ایران دارای ویژگی‌های فرهنگی، قومی و زبانی متنوعی هستند که در تعامل با سیستم آموزشی رسمی، با چالش‌های خاصی مواجه می‌شوند. در بسیاری از این مناطق، زبان مادری دانش‌آموزان با زبان آموزش رسمی (فارسی) متفاوت است و همین مسئله می‌تواند فرآیند یادگیری را تحت‌تأثیر قرار دهد و احساس بیگانگی با مدرسه را در میان دانش‌آموزان تقویت کند (Skutnabb-Kangas, 2000). همچنین، نظام آموزشی ممکن است نسبت به ارزش‌ها، فرهنگ بومی و نیازهای خاص این دانش‌آموزان بی‌تفاوت یا حتی ناسازگار باشد. چنین وضعیت‌هایی نه تنها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است، بلکه می‌تواند هویت فرهنگی، عزت نفس، و احساس تعلق آن‌ها به مدرسه را نیز تضعیف کند (Banks, 2015).

تحقیقات داخلی نیز نشان داده‌اند که عدالت آموزشی در ایران همواره با چالش‌هایی نظیر نابرابری در توزیع معلمان مجرب، کمبود منابع آموزشی در مناطق روستایی و مرزی، تفاوت در کیفیت برنامه‌های درسی، و نابرابری‌های جنسیتی همراه بوده است (Mirzazadeh & Rahimi, 2020). برخی از مطالعات تجربی بیانگر آن‌اند که سیاست‌های آموزشی متمرکز و یکسان‌نگر، نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازهای متنوع دانش‌آموزان در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه مناطق مرزی، باشند (Amini & Mahmoudi, 2018). بنابراین، بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان این مناطق، گامی اساسی در فهم دقیق‌تر ابعاد عدالت آموزشی و شناسایی راهکارهای اصلاحی است.

در این راستا، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، به بررسی ابعاد عدالت آموزشی از منظر دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی ایران می‌پردازد. تمرکز این مطالعه بر دریافت مستقیم تجربه‌های دانش‌آموزان و درک چالش‌ها، موانع، و فرصت‌هایی است که آن‌ها در مسیر تحصیل خود تجربه کرده‌اند. این نوع پژوهش کیفی، با تکیه بر روایت‌های فردی، قادر است پیچیدگی‌ها و ابعاد پنهان عدالت آموزشی را که در مطالعات کمی کمتر دیده می‌شود، آشکار سازد (Mertens, 2020).

از منظر روش‌شناسی، رویکرد کیفی این مطالعه به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از طریق تعامل مستقیم با دانش‌آموزان و تحلیل محتوای گفتار آنان، به استخراج مفاهیم و مقوله‌هایی بپردازد که در اسناد رسمی یا آمارهای کلان پنهان مانده‌اند. در چنین شرایطی، تجربیات شخصی دانش‌آموزان به مثابه منابعی زنده برای فهم مسائل ساختاری در آموزش و پرورش محسوب می‌شوند (Patton, 2015). به علاوه، استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی مانند NVivo در این پژوهش، روند کدگذاری، مقوله‌بندی و تحلیل داده‌ها را نظام‌مند کرده و اعتبار یافته‌ها را افزایش داده است.

هدف اصلی این مطالعه آن است که با تمرکز بر تجارب زیسته دانش‌آموزان مناطق مرزی، تصویری واقع‌بینانه از وضعیت عدالت آموزشی در این نواحی ارائه دهد. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از: دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی چگونه عدالت آموزشی را تجربه می‌کنند؟ چه چالش‌ها و موانعی در مسیر دسترسی آنان به آموزش کیفی و منصفانه وجود دارد؟ و چگونه می‌توان بر اساس صدای آنان، گام‌هایی در جهت بهبود وضعیت عدالت آموزشی برداشت؟

پاسخ به این سؤالات نه تنها برای سیاست‌گذاران آموزشی، بلکه برای معلمان، مدیران مدارس، برنامه‌ریزان درسی و فعالان حوزه عدالت اجتماعی نیز اهمیت دارد. عدالت آموزشی مفهومی صرفاً اخلاقی یا نظری نیست، بلکه تأثیرات مستقیم و عمیقی بر کیفیت زندگی افراد، فرصت‌های شغلی آینده، احساس هویت و مشارکت مدنی آن‌ها دارد (Sen, 1999). از این رو، توجه به عدالت آموزشی در مناطق مرزی ایران، در کنار سایر مؤلفه‌های توسعه، می‌تواند به تحقق جامعه‌ای منصف‌تر، فراگیرتر و پایدارتر یاری رساند.

روش‌شناسی

در این پژوهش، رویکرد کیفی برای بررسی ابعاد عدالت آموزشی از دیدگاه دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی ایران اتخاذ شد. طراحی پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی بود تا از دل داده‌ها، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با عدالت آموزشی به دست آید. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم بودند که در مناطق مرزی ایران سکونت داشتند و به صورت هدفمند و با در نظر گرفتن تنوع در جنسیت، سن، قومیت و منطقه جغرافیایی انتخاب شدند. معیار اصلی ورود به مطالعه، سکونت در مناطق مرزی، تحصیل در مدارس دولتی و تمایل به مشارکت در مصاحبه بود.

جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. برای دستیابی به اشباع نظری، مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی حاصل نشد و مفاهیم به‌طور کامل تکرار شدند. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و در مکان‌های مورد توافق با دانش‌آموزان و با رضایت‌نامه آگاهانه از آن‌ها انجام شد. پرسش‌های مصاحبه حول محورهای مختلف عدالت آموزشی از جمله دسترسی، کیفیت، انصاف، و مشارکت می‌چرخید و فرصت برای بیان تجارب شخصی فراهم می‌ساخت.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ استفاده شد. داده‌های گردآوری‌شده ابتدا به صورت کلمه‌به‌کلمه رونویسی و سپس با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. تحلیل به صورت همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد تا فرآیند پالایش مفاهیم و استخراج مقوله‌های نهایی با دقت بیشتری صورت گیرد. به منظور اطمینان از روایی پژوهش، چهار معیار اعتبار، انتقال‌پذیری، وابستگی و تأییدپذیری (به نقل از لینکن و گوبا) رعایت گردید. برای افزایش اعتبار، مصاحبه‌ها به مشارکت‌کنندگان بازخورد داده شد، و کدگذاری اولیه توسط دو پژوهشگر مستقل بررسی گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش، ۲۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم که ساکن مناطق مرزی ایران بودند، به صورت هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. از میان مشارکت‌کنندگان، ۱۳ نفر دختر (۵۴/۱٪) و ۱۱ نفر پسر (۴۵/۹٪) بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶/۸ سال با دامنه

سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بود. از نظر قومیتی، ۹ نفر از دانش‌آموزان از قومیت بلوچ، ۶ نفر کرد، ۵ نفر ترکمن و ۴ نفر عرب بودند. همچنین ۱۵ نفر از دانش‌آموزان در مناطق روستایی و ۹ نفر در مناطق شهری مرزی سکونت داشتند. از لحاظ وضعیت اقتصادی خانواده، ۱۸ نفر (۷۵٪) از مشارکت‌کنندگان خود را در وضعیت ضعیف یا پایین‌تر از متوسط توصیف کردند. تمامی دانش‌آموزان در مدارس دولتی تحصیل می‌کردند و حداقل یک سال سابقه سکونت در منطقه مرزی محل زندگی خود را داشتند. این تنوع در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، امکان بررسی ابعاد مختلف عدالت آموزشی از دیدگاه‌های گوناگون را فراهم ساخت.

مقوله اول: عدالت در دسترسی

فاصله جغرافیایی مدرسه: بسیاری از دانش‌آموزان به دشواری‌های مربوط به فاصله مکانی اشاره داشتند. برخی از آن‌ها برای رسیدن به مدرسه مسیرهای طولانی و ناایمن را طی می‌کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «برای رفتن به مدرسه باید هر روز نیم ساعت در جاده خاکی پیاده‌روی کنیم، زمستون که برف بیاد خیلی خطرناکه.»

زیرساخت‌های فیزیکی مدرسه: کیفیت پایین فضاهای فیزیکی یکی از چالش‌های اصلی بود. دانش‌آموزان از خرابی ساختمان، نبود سیستم گرمایشی و شرایط غیربهداشتی سرویس‌ها گلایه داشتند. دانش‌آموزی بیان کرد: «سرویس بهداشتی خراب بود، ما مجبور بودیم اصلاً نریم دستشویی یا تا خونه صبر کنیم.»

دسترسی به منابع آموزشی: محدودیت در داشتن وسایل کمک‌درسی و دسترسی به اینترنت در مناطق مرزی کاملاً مشهود بود. یک دانش‌آموز گفت: «هیچ کتابی اضافه نداریم، اینترنت هم فقط گاهی شب‌ها آنتن می‌ده، نمی‌تونیم تکالیفمون رو آپلود کنیم.»

کمبود معلمان متخصص: نبود معلمان متخصص، به‌ویژه در دروس تخصصی، موجب افت کیفیت آموزش شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «برای فیزیک معلم نداریم، هر هفته یکی جدید میاد، بعدش دیگه نیما.»

مشکلات مالی خانواده: وضعیت اقتصادی خانواده‌ها مانعی مهم در دسترسی برابر به آموزش بود. بسیاری از دانش‌آموزان مجبور به کار هم‌زمان با تحصیل بودند. یک نفر عنوان کرد: «از ظهر که از مدرسه برمی‌گردم می‌رم مغازه، کمک خرج خانواده‌ام هستم.»

نبود مدارس خاص یا استثنایی: نبود مدارس متنوع مانند مدارس تیزهوشان، شبانه‌روزی یا فنی حرفه‌ای در مناطق مرزی موجب نارضایتی بود. «ما فقط به مدرسه داریم که همه پایه‌ها تو یه کلاس می‌شین.»

محدودیت در انتخاب رشته: دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی با محدودیت مواجه بودند و گاه مجبور به انتخاب رشته‌ای می‌شدند که به آن علاقه نداشتند. «من دوست داشتم برم هنرستان، ولی چون فقط رشته تجربی داشت، مجبور شدم اون رو انتخاب کنم.»

مقوله دوم: عدالت در کیفیت آموزش

صلاحیت علمی معلمان: بسیاری از مشارکت‌کنندگان سطح علمی پایین معلمان را یکی از دلایل ضعف یادگیری خود عنوان کردند. یکی از دانش‌آموزان گفت: «معلم ما وقتی ازش سوال می‌پرسیم، می‌گه نمی‌دونه یا خودش باید بره بخونه.»

روش‌های تدریس: روش‌های سنتی و یکنواخت تدریس بدون استفاده از تکنولوژی یا مشارکت فعال دانش‌آموزان رایج بود. «فقط درس می‌ده، می‌نویسه روی تخته، می‌خونیم، بعدش امتحان می‌گیری.»

کیفیت ارزشیابی و امتحانات: ارزشیابی‌ها غالباً سلیقه‌ای بوده و بازخورد واقعی به دانش‌آموز داده نمی‌شد. یک نفر اظهار داشت: «نمره‌هام معلوم نیست چطور داده می‌شن، هیچ وقت دلیل کم شدن نمره‌هامو نمی‌فهمم.»

محتوای کتب درسی: محتوای دروس برای دانش‌آموزان مناطق مرزی کاربردی و قابل ارتباط نبود. «چیزی که تو کتاب هست به درد زندگی ما نمی‌خوره، نه زبان محلی‌مونو می‌فهمه، نه شرایط ما رو.»

امکانات کمک‌آموزشی: نبود ابزارهایی مانند آزمایشگاه، کارگاه، یا کلاس‌های کامپیوتر مانع تجربه یادگیری فعال بود. «هیچ وقت آزمایشگاه نرفتیم، فقط عکس وسایل آزمایشو تو کتاب دیدیم.»

تعامل مدرسه با خانواده: ارتباط مدرسه با والدین بسیار محدود بود، به‌ویژه به دلیل تفاوت فرهنگی یا بی‌سوادی والدین. «پدرم نمی‌تونه فارسی بخونه، وقتی جلسه می‌دارن نمی‌ره چون حس می‌کنه مسخره می‌شه.»

مقوله سوم: عدالت در برخورد و نگرش

تبعیض بر اساس قومیت: برخی از دانش‌آموزان از برخوردهای توأم با تحقیر یا بی‌توجهی نسبت به زبان و فرهنگ محلی‌شان گلایه داشتند. «وقتی لهجه داریم مسخره‌مون می‌کنن، حتی معلم هم بعضی وقتا می‌خنده.»

تبعیض جنسیتی: دختران، به‌ویژه در برخی مناطق مرزی، با محدودیت بیشتری مواجه بودند. یک دانش‌آموز دختر گفت: «پدرم می‌گه درس برای دخترا لازم نیست، فقط باید خونه‌داری یاد بگیرم.»

برچسب‌زنی به مناطق مرزی: بسیاری احساس می‌کردند که از سوی نظام آموزشی نادیده گرفته شده یا به آن‌ها به چشم دانش‌آموزان "ضعیف‌تر" نگاه می‌شود. «انگار چون مرزنشینیم، باید عقب‌مونده باشیم!»

مشارکت در فعالیت‌های مدرسه: مشارکت دانش‌آموزان مرزی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های مدرسه کم‌رنگ بود. «هیچ وقت نظر ما رو نمی‌پرسن، برنامه‌ها فقط از بالا میاد و ما اجرا می‌کنیم.»

نگاه بالا به پایین کارکنان مدرسه: برخی از دانش‌آموزان برخورد معلمان یا مدیران را تحقیرآمیز توصیف کردند. «یه بار مدیر مدرسه گفت شما هیچ‌وقت چیزی نمی‌شین، چون بچه مرز هستین!»

مقوله چهارم: عدالت در فرصت‌های آینده

آمادگی برای کنکور: نبود کلاس‌های تقویتی و مشاور آموزشی از دغدغه‌های مهم دانش‌آموزان بود. «دوست داشتم پزشکی بخونم، ولی حتی یه مشاور هم نداریم که بهم بگه چیکار کنم.»

مشاوره تحصیلی و شغلی: اطلاعات ناکافی درباره مسیرهای تحصیلی و شغلی آینده موجب سردرگمی بود. «نمی‌دونم چه رشته‌ای به دردم می‌خوره، کسی نیست راهنمایی‌مون کنه.»

دسترسی به فرصت‌های دانشگاهی: فاصله زیاد تا دانشگاه و نبود اطلاع‌رسانی در مورد رشته‌ها و شرایط پذیرش، نگرانی‌ساز بود. «فقط شنیدم یه رشته‌هایی هستن ولی دقیق نمی‌دونم چی هستن یا کجا می‌شه خوند.»

فرصت‌های کارآموزی و مهارت‌آموزی: کمبود مهارت‌آموزی عملی در مدارس و نبود ارتباط با بازار کار از نکات مشترک در مصاحبه‌ها بود. «اگه یه کار فنی یاد می‌گرفتیم شاید می‌تونستیم زودتر شاغل بشیم.»

برنامه‌های حمایتی: نبود حمایت‌های مالی یا بورسیه برای ادامه تحصیل از موانع تداوم مسیر آموزشی بود. «خیلی دوست دارم دانشگاه برم ولی خونواده‌م پول ندارن، و هیچ‌جا کمک نمی‌کنه.»

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی ایران تجربه‌ای چندبعدی و اغلب نابرابر از عدالت آموزشی دارند. این تجارب در چهار مقوله‌ی اصلی شامل عدالت در دسترسی، عدالت در کیفیت آموزش، عدالت در برخورد و نگرش، و عدالت در فرصت‌های آینده قابل تبیین هستند. تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که نابرابری‌های ساختاری، جغرافیایی، اقتصادی، و فرهنگی نقش مؤثری در تضعیف فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان این مناطق ایفا می‌کنند. همچنین، روایت‌های دانش‌آموزان نشان داد که احساس طردشدگی، تبعیض، و نبود چشم‌انداز روشن تحصیلی و شغلی، موجب کاهش انگیزه و مشارکت آن‌ها در فرآیند یادگیری می‌شود.

در مقوله‌ی «عدالت در دسترسی»، یافته‌ها نشان داد که فاصله مکانی تا مدرسه، نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود منابع آموزشی، و مشکلات مالی خانواده‌ها از عوامل کلیدی در محدودسازی فرصت‌های تحصیلی هستند. این یافته‌ها با مطالعات بین‌المللی همخوانی دارد که نشان

می‌دهند نابرابری جغرافیایی یکی از موانع اصلی تحقق عدالت آموزشی در مناطق روستایی و مرزی است (UNESCO, 2020; OECD, 2012). در مطالعه‌ی Field و همکاران (۲۰۰۷) نیز تأکید شده است که نابرابری در توزیع منابع، به‌ویژه در مناطق دورافتاده، پیامدهای بلندمدت بر نتایج یادگیری و عدالت اجتماعی دارد. در پژوهش داخلی توسط Mirzazadeh و Rahimi (۲۰۲۰)، تأکید شده بود که مناطق مرزی ایران به دلیل ضعف زیرساخت‌ها و فقر مزمن، با چالش‌های متعددی در عدالت دسترسی مواجه‌اند.

در مقوله‌ی «عدالت در کیفیت آموزش»، دانش‌آموزان از کیفیت پایین تدریس، روش‌های سنتی، نبود امکانات کمک‌آموزشی و ضعف در ارزشیابی تحصیلی گلایه داشتند. نتایج این بخش با یافته‌های Thompson (۲۰۱۶) هم‌راستا است که نشان داد کیفیت آموزشی در مدارس حاشیه‌نشین به‌طور محسوسی پایین‌تر از میانگین ملی است. مطالعات Banks (۲۰۱۵) و Patton (۲۰۱۵) نیز بیان می‌دارند که روش‌های آموزشی سنتی، به‌ویژه در محیط‌های محروم، موجب طرد تدریجی دانش‌آموزان از فرآیند یادگیری می‌شود. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که محتوای کتب درسی برای دانش‌آموزان مرزی نامرتبط و بی‌ارتباط با واقعیت زندگی آنان تلقی می‌شود؛ موضوعی که در پژوهش Skutnabb-Kangas (۲۰۰۰) نیز به‌عنوان عامل مهمی در بیگانگی زبانی و فرهنگی دانش‌آموزان با آموزش رسمی معرفی شده است.

در مقوله‌ی «عدالت در برخورد و نگرش»، تجربه‌ی دانش‌آموزان از تبعیض‌های قومیتی، جنسیتی، و فرهنگی بسیار برجسته بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان احساس می‌کردند که به دلیل لهجه، زبان یا قومیت‌شان، از سوی برخی معلمان یا مدیران با تحقیر یا بی‌توجهی مواجه شده‌اند. این یافته‌ها با ادبیات موجود درباره‌ی تبعیض ساختاری در نظام‌های آموزشی همخوانی دارد. به‌ویژه در مطالعه‌ی Banks (۲۰۱۵)، بر نقش نگرش‌های فرهنگی غالب و سوگیری‌های معلمان در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی تأکید شده است. همچنین، دیدگاه متمرکز و همسان‌نگر نظام آموزشی ایران، که نیازها و ویژگی‌های فرهنگی خاص مناطق مرزی را نادیده می‌گیرد، موجب تضعیف احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه می‌شود (Amini & Mahmoudi, 2018).

در مقوله‌ی چهارم، یعنی «عدالت در فرصت‌های آینده»، دانش‌آموزان به محدودیت در آمادگی برای کنکور، نبود مشاوره‌ی تحصیلی و شغلی، و عدم دسترسی به برنامه‌های حمایتی اشاره کردند. این وضعیت منجر به ایجاد نوعی بی‌افقی تحصیلی شده بود که در بسیاری از روایت‌ها با احساس بی‌اعتمادی به آینده تحصیلی همراه بود. یافته‌های این بخش با مطالعه‌ی OECD (۲۰۱۲) قابل مقایسه است که بر اهمیت راهنمایی تحصیلی برای دانش‌آموزان مناطق محروم به‌عنوان راهی برای کاهش ترک تحصیل و افزایش فرصت‌های برابری تأکید می‌کند. همچنین، عدم دسترسی به فرصت‌های مهارت‌آموزی و کارآموزی موجب می‌شود که دانش‌آموزان مرزی نتوانند در مسیر توانمندسازی شغلی قرار گیرند، امری که توسط UNESCO (۲۰۲۰) به‌عنوان یکی از ابعاد مغفول عدالت آموزشی شناخته شده است.

از منظر نظری، نتایج این پژوهش با رویکرد «عدالت به مثابه فرصت برابر» (Sen, 1999) همخوانی دارد که بر رفع موانع ساختاری و فراهم کردن بسترهای واقعی برای یادگیری مؤثر تأکید دارد. همچنین، از نظر عملی، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به عدالت آموزشی تنها از طریق سیاست‌های متمرکز و یکنواخت میسر نیست، بلکه نیازمند سیاست‌گذاری حساس به زمینه، ویژگی‌های فرهنگی-جغرافیایی و صدای مستقیم دانش‌آموزان است. نظام آموزشی در ایران در صورتی می‌تواند به عدالت واقعی دست یابد که به نیازهای خاص دانش‌آموزان مرزی توجه کرده و منابع انسانی، مادی و محتوایی را متناسب با شرایط این مناطق بازتوزیع کند.

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، تمرکز آن بر مناطق مرزی خاصی از کشور (تهران با دانش‌آموزان ساکن مناطق مرزی مهاجرت‌کرده یا ساکن در خوابگاه‌ها) بوده است که ممکن است نتواند تمامی تجربه‌های مناطق مرزی کشور را بازتاب دهد. همچنین، چون داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به‌دست آمده، امکان بروز سوگیری در نحوه‌ی بیان یا تفسیر داده‌ها وجود دارد. محدودیت دیگر، دشواری در برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان به‌ویژه در محیط‌هایی بود که نسبت به پژوهش‌های دانشگاهی بی‌اعتماد بودند. به‌علاوه، محدودیت در منابع مالی و زمانی نیز مانع گسترش دامنه‌ی تحقیق به دیگر استان‌های مرزی شد.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، پژوهش به صورت میدانی در استان‌های مختلف مرزی مانند سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، و خوزستان اجرا شود تا تصویر جامع‌تری از وضعیت عدالت آموزشی در سطح ملی به دست آید. همچنین، استفاده از رویکردهای ترکیبی (کیفی-کمی) می‌تواند به درک بهتر ارتباط میان عوامل ساختاری و تجارب فردی دانش‌آموزان کمک کند. مطالعات تطبیقی با سایر کشورهای که دارای مناطق مرزی فرهنگی و قومی هستند نیز می‌تواند در استخراج الگوهای مؤثر عدالت آموزشی راه‌گشا باشد. علاوه بر این، بررسی دیدگاه معلمان، والدین، و مدیران مدارس در کنار دانش‌آموزان می‌تواند شناخت عمیق‌تری از پویایی‌های موجود ارائه دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقاء عدالت آموزشی در مناطق مرزی، باید سیاست‌هایی اتخاذ شود که از تمرکززدایی در تخصیص منابع، بازنگری در محتوای درسی متناسب با فرهنگ بومی، و توزیع عادلانه معلمان متخصص پشتیبانی کند. همچنین، لازم است مشاوره‌های تحصیلی و شغلی در مدارس مرزی تقویت شده و برنامه‌های توانمندسازی آموزشی برای دانش‌آموزان این مناطق فراهم گردد. نظام آموزشی باید رویکردی مشارکتی و حساس به تفاوت‌های فرهنگی در پیش گیرد و صدای دانش‌آموزان مناطق مرزی را در سیاست‌گذاری‌ها به رسمیت بشناسد. حمایت‌های مالی هدفمند، توسعه زیرساخت‌های آموزشی، و استفاده از فناوری‌های نوین برای جبران فاصله‌های جغرافیایی نیز از راهکارهای مؤثر در جهت تحقق عدالت آموزشی واقعی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Amini, R., & Mahmoudi, M. (2018). Challenges of Educational Justice in Iran: A Qualitative Study. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 1(2), 45-62.
- Banks, J. A. (2015). *Cultural Diversity and Education: Foundations, Curriculum, and Teaching* (6th ed.). Routledge.
- Field, S., Kuczera, M., & Pont, B. (2007). *No More Failures: Ten Steps to Equity in Education*. OECD Publishing.
- Heyneman, S. P. (2011). The Role of Textbooks in a Modern System of Education: Towards High Quality Education for All. *European Journal of Education*, 46(3), 279-295.
- Mertens, D. M. (2020). *Research and Evaluation in Education and Psychology: Integrating Diversity With Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods* (5th ed.). SAGE Publications.

- Mirzazadeh, A., & Rahimi, F. (2020). Equity in Education: A Case Study of Border Schools in Iran. *Journal of Educational Management*, 12(4), 718-1001.
- MoE (Ministry of Education, Iran). (2021). Annual Report on Educational Access in Underprivileged Regions. Tehran: Department of Research and Planning.
- OECD. (2012). *Equity and Quality in Education: Supporting Disadvantaged Students and Schools*. OECD Publishing.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative Research & Evaluation Methods* (4th ed.). SAGE Publications.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford University Press.
- Skutnabb-Kangas, T. (2000). *Linguistic Genocide in Education—or Worldwide Diversity and Human Rights?* Routledge.
- Thompson, G. (2016). Student Perceptions of School Fairness and Equity: A Qualitative Inquiry. *Journal of Educational Change*, 17(4), 433–450.
- UNESCO. (2020). *Global Education Monitoring Report: Inclusion and Education – All Means All*. Paris: UNESCO.
- UNICEF. (2019). *Addressing the Learning Crisis in Remote and Marginalized Communities*. New York: UNICEF.